



امارت اسلامی افغانستان
وزارت ارشاد، حج و اوقاف
ریاست ارشاد و انسجام مساجد



موضوع خطابت روز جمعه و

تقریر و بیان تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات
به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۱/جمادی الأولى/۴۴۴هـ ق مطابق ۴/قوس/۱۴۰۱هـ ش

علامات و خصلت های منافقین واجتناب از آنها

الحمد لله يَمُنُّ عَلَى مَنْ يَشَاءُ بِهَدَايَتِهِ لِلْإِيمَانِ ، وَيَخْذُلُ أَهْلَ الْكُفْرِ وَالطَّغْيَانِ ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ (يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ ۲۹) وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ الْمُوَيْدُ بِالنَّصْرِ وَالْبِرْهَانِ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى عَبْدِهِ وَرَسُولِهِ نَبِينَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ .

اما بعد: قال الله تعالى: (وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ البقرة: ۸).

اظهار خلاف باطن را نفاق گفته میشود.

انواع نفاق :

نفاق بر دو نوع است:

نوع اول: نفاق اعتقادی و یا نفاق اکبر.

نوع دوم: نفاق عملی و یا نفاق اصغر.

نفاق اعتقادی آن است که مرتکب آن اسلام را بظاهر قبول کرده اما در باطن برخلاف آن کفر و شرک، یهودیت، نصرانیت و یا دین و آئین دیگری را در خود پنهان نموده است.

حکم نفاق اعتقادی:

نفاق اعتقادی انسان را در دنیا بطور کلی از دایره اسلام بیرون میکند و کسی که به این نوع نفاق مبتلا باشد و قبل از مرگ توبه نکند و در آخرت در پائین ترین درجات جهنم قرار دارد، چنانچه خداوند متعال فرموده است: **إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا النساء: ۱۴۵**

ترجمه:- آری منافقین در فرو ترین درجات دوزخ اند و هرگز برای آنان یابوری نخواهی یافت.

نوع دوم: نفاق عملی و یا نفاق اصغر:

نفاق عملی و یا نفاق اصغر آن است که شخصی یکی از اعمال منافقین را انجام دهد، در حالیکه ایمان در قلبش وجود دارد.

حکم نفاق عملی:

نفاق عملی و یا نفاق اصغر انسان را از دایره اسلام خارج نمی کند، مگر سخت گناه است در قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم برای نفاق عملی قباحت زیادی بیان شده است.

امام حسن بصری رحمه الله میفرماید: (النفاق نفاقان : نفاق التکذیب ونفاق العمل) سنن الترمذی
نفاق به دو گونه است: نفاق در کفر و نفاق در عمل.

حضرت حذیفه الیمان رضی الله عنه میفرماید: (عَنْ حُدَيْفَةَ، أَنَّهُ قَالَ: الْمُنَافِقُونَ الْيَوْمَ أَشْرُّ مِنْهُمْ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، كَانُوا إِذْ ذَاكَ يَكْتُمُونَهُ، وَهُمْ الْيَوْمَ لَا يَكْتُمُونَهُ). صفة النفاق ونعت المنافقين لأبي نعيم.

ترجمه:- در عصر حاضر منافقین فعلی نسبت به منافقین زمان رسول الله علیه وسلم شریتر اند؛ چرا که در آن زمان منافقین منافقت خود را پنهان نگاه میداشتند و در این عصر منافقان منافقت خود را آشکار میکنند.
علائم و خصلت های منافقین:

اگر چه در زمانه رسول الله صلی الله علیه وسلم منافقین به حيله ها، مکرهای مختلف و دروغ های خود کوشش میکردند که مسلمانان و مردم از نفاق و منافقت آنها خبر نشوند، مگر الله تعالی در آیات متعدد و در سوره های زیادی پرده را از روی منافقین و نفاق آنها برداشته است، مانند: سوره توبه، به (فاضحه) نامگذاری شده است، زیرا که پرده را از روی منافقین و خصلت های نفاق آنان برداشته است و چهره های واقعی آنها را رسوا و افشاء کرده است، بعضی علائم و خصلت های منافقین قرار ذیل است:

۱- فساد کردن در زمین؛ یکی از علائم منافقین است که اینها همیشه دعوی دارند که ما خیرخواه و مصلح مردم هستیم، ولی در حقیقت منافقین فساد کننده در روی زمین اند. الله جل جلاله میفرماید: {وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ. أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ} البقرة: (۱۲)

ترجمه:- هنگامیکه به ایشان گفته شود در زمین فساد نکنید گویند ما جز اصلاح کار نیستیم؛ آگاه باش ایشان فساد پیشه گان اند ولیکن آگاه نمی شوند.

در شرائط فعلی بعضی مردم منافقت میکنند در ضد مسلمانان به تباهی آنها مصروف اند ولی دعوی دارند که ما صلح و خیرخواهی می خواهیم.

امام ابن جریر رحمه الله میفرماید: (که این آیت در باره آن منافقینی نازل شده که در عصر رسول الله صلی الله علیه وسلم بودند، ولی حکم آن عام است که مراد از آن مردمانی هستند که مانند منافقان زمان پیغمبر صلی الله علیه وسلم صفت داشته باشند تا به روز قیامت این حکم ایشان را دربر میگیرد). [تفسیر ابن جریر]

۲- جنگجویی و خصومت کردن؛ دیگر علامه منافقین این است که اینها همیشه با مردم خصومت و جنگ میکنند، اگر به ایشان گفته شود به غیرت آمده خصومت خود را بیشتر میکنند. الله تعالی میفرماید: {وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ. وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ. وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُ جَهَنَّمَ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ} البقرة: (۲۰۴_۲۰۵)

ترجمه:- از مردمان کسی است که گفتارش در امور زندگی دنیا تورا در شگفت می اندازد و الله را بر آنچه در ضمیرش هست گواه قرار میدهد در حالیکه او سخت ترین دشمن اسلام است؛ و هنگامیکه به قدرت و ریاست رسد تلاش میورزد تا در آن تبهکاری کند، کشت، زراعت و مواشی را نابود سازد الله جل جلاله فساد و تباهی را دوست نمی دارد.

۳- دوستی و رفاقت با کفار و انتظار کردن روزهای بد بر علیه مسلمانان؛ الله تعالی در باره منافقین میفرماید: {بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا. الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا} النساء: (۱۳۹)

ترجمه:- منافقان را مژده ده به اینکه آنها را عذاب دردناکی است؛ آنانی اند که جز مؤمنان کافران را دوست برمیگزینند آیا از نزد آنها عزت میخواهند، پس یقیناً عزت همه گی از آن الله است.

و نیز میفرماید: {الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُمُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا} النساء: (۱۴۱)

ترجمه:- منافقان آنانی اند که پیوسته در انتظار (احوال شما) اند اگر از جانب الله فتح و پیروزی نصیب شما گردد گویند آیا ما با شما نبودیم و اگر بهره ای از پیروزی نصیب کافران گردد گویند آیا ما با همکاری مؤمنان بر شما غالب نبودیم آیا شمارا از غلبه مؤمنان حفاظت نکردیم پس الله در روز قیامت در میان شما داوری خواهد نمود و هرگز الله برای کافران راه تسلط همه جانبه را بر مؤمنان نخواهد گرداند. به ما مناسب است که از خوی و خصلت منافقین خود داری کنیم، با کفار دوستی نکنیم و برای مسلمانان در هرگوشه ای از جهان که باشند خیرطلب کنیم.

۴- چل، فریب و سستی در ادای عبادات؛ منافقین عادت دارند که به مسلمانان چل و فریب میکنند و در عبادت پروردگار بخصوص نماز، سستی میکنند. الله جل جلاله از علائم بد ایشان یاد کرده میفرماید: {إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَآؤُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا} (۱۴۲) مَذْبُذِبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا} النساء: (۱۴۳)

ترجمه:- منافقان میخواهند الله را فریب دهند در حالیکه (به طریق مجازات) او آنها را فریب دهنده است و چون به سوی نماز برخیزند به کسالت برمیخیزند به مردم نشان میدهند، والله را جز اندکی یاد نمی کنند؛ در میان این آن متردد اند نه به این گروه متمایل اند و نه به آن گروه الله هرکی را گمراه کند پس برای (هدایت) او راهی نخواهی یافت.

به ما مناسب است که از صفات منافقین خود داری کنیم، واز مکر و فریب و از سستی در ادای نماز خود را حفاظت کنیم. زیرا در باره نماز جماعت در احادیث تاکیدات زیادی آمده است.

دریک حدیث شریف آمده است: (عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ تَرَكَ ثَلَاثَ جُمُعَاتٍ مُتَوَالِيَاتٍ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ، طُبِعَ عَلَى قَلْبِهِ، وَهُوَ مُنَافِقٌ»). صفة النفاق و نعت المنافقين لأبي نعیم

ترجمه:- از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که گفت رسول الله صلی الله علیه وسلم: کسی که سه نماز جمعه را پی درپی بدون عذر ترک کند در قلب او مهر زده میشود و او منافق است.

در حدیث دیگری آمده است: (عَنْ سَهْلِ بْنِ مَعَاذٍ، عَنْ أَبِيهِ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: الْفُجُورُ كُلُّ الْفُجُورِ، وَالنَّفَاقُ، مَنْ سَمِعَ مُنَادِيَ اللَّهِ يُنَادِي بِالصَّلَاةِ وَالْفَلَاحِ فَلَمْ يُجِبْ). صفة النفاق و نعت المنافقين لأبي نعیم

ترجمه:- از سهل ابن معاذ از پدر خود روایت میکند که پیامبر علیه السلام فرمودند: که بدکاری و همه بدکاری ها و نفاق این است که کسی آواز منادی الله را بشنود که ندا میکند از برای ادای نماز و او را اجابت نمی کند.

۵- غدر، خیانت، وعده خلافی و دشنام دادن به مردم؛ علامه دیگری از منافقین این است که به وعده وفانمی کنند و در امانت خیانت میکنند، الله تعالی از این خصلت بد ایشان پرده برداشته میفرماید: {وَمِنْهُمْ مَّنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ. فَلَمَّا آتَاهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَنَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ. فَأَعْقَبَهُمْ نِقَافًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ} التوبة: (۷۷)

ترجمه:- از آنها کسانی هستند که با الله پیمان بسته اند که اگر الله ما را از فضل و احسان خود اعطا کند البته صدقه خواهیم داد و از نیکوکاران خواهیم بود؛ پس هنگامیکه الله از فضل خود به آنها اعطا کرد از صدقه کردن به آن بخل کردند و سرپیچی نمودند و روی گردانیدن؛ پس الله نفاق را در دلهایشان جای گزین ساخت تا روزیکه با الله ملاقات میکنند این بدان سبب است که از آنچه به الله وعده داده بودند مخالفت کردند و به سبب اینکه دروغ میگفتند.

در حدیث شریف آمده است: (عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مِنْ عِلْمَاتِ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبًا، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا اتُّمِنَ خَانَ). متفق علیه

ترجمه:- از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر علیه السلام فرمودند: از علامات منافق سه چیز است: وقتیکه صحبت کند دروغ میگوید، وقتیکه وعده کند مخالفت میکند، وقتیکه امین قرار داده شود خیانت میکند.

در حدیث دیگری علامه منافق را چهار چیز ذکر کرده است: (أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا، وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ خَصَلَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَصَلَةٌ مِنَ النِّفَاقِ حَتَّى يَدْعَهَا: إِذَا أُوْتِمِنَ خَانَ، وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبًا، وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ، وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ) متفق علیه.

ترجمه:- چهار خصلتی است در کسیکه باشد او منافق خالص میباشد، و اگر در کسی یک خصلت آن موجود شود در او خصلتی از نفاق پیدا شد تا اینکه آنرا ترک کند. وقتیکه امین قرار داده شود خیانت کند، وقتیکه صحبت کند دروغ گوید، وقتیکه عهد و پیمان کند در آن غدر کند وقتیکه جنگ کند دشنام زند.

۶- فرار از جهاد و مردم از جهاد منع کردن؛ طبیعت منافقین این است که خود جهاد نمی کند و به دیگران هم میگوید که جهاد نکنید، اگر کسی در جهاد شهید شود منافقین میگویند که به جهاد نمی رفت تا که نمی مرد، الله تعالی حال اینهارا اینطور بیان میکند: {فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ. فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ. فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ} التوبة: (۸۱-۸۳)

ترجمه:- بازماندگان (منافق از غزوه تبوک) به نشستن شان برخلاف پیغمبر صلی الله علیه وسلم شادمان شدند و بد پنداشتند که به مالها و جانهای خویش در راه الله جهاد کنند و به یکدیگر گفتند که در گرمی بیرون مشوید، بگو آتش دوزخ از این هم سخت گرم تر است اگر بفهمند؛ پس باید اندک بخندند و بسیار بگریند این جزای کارهایی است که انجام میدادند؛ پس هر گاه الله تورا بسوی گروهی از آنها باز گرداند و برای بیرون شدن بسوی جهاد از تو اجازه خواستند بگو هر گز همراهی من در هیچ سفری بیرون نخواهید شد و هرگز با من با دشمنی پیکار نخواهید کرد زیرا شما در نخستین بار به خانه نشینی راضی شدید پس با خانه نشینان بنشینید.

در یک حدیث شریف آمده است: (عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَغْزُ، وَلَمْ يُحَدِّثْ نَفْسَهُ بِالْغَزْوِ، مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِنْ نِفَاقٍ). صحیح مسلم

ترجمه:- از ابی هریره رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: کسی که مرد و جهاد نکرد و در نفس او هم سخنی از جهاد نبود، مرد به یک شعبة ای از نفاق.

در زمانه رسول الله صلی الله علیه وسلم منافقین به جهاد نمی رفتند و بهانه های مختلف میکردند و اگر به جهاد هم میرفتند فتنه دیگری را جور میکردند. که در یک حدیث شریف می آید: (عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ كُنْتُ مَعَ عَمِّي فَسَمِعْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ أَبِي بِنِ سُلُوقٍ يَقُولُ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفُضُوا وَقَالَ أَيْضًا لَنِي رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِعَمِّي فَذَكَرَ عَمِّي لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَأَرْسَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي وَأَصْحَابِهِ فَحَلَفُوا مَا قَالُوا فَصَدَّقَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَكَذَّبَنِي فَأَصَابَنِي هَمٌّ لَمْ يُصِيبَنِي مِثْلَهُ قَطُّ فَجَلَسْتُ فِي بَيْتِي فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ [إِذَا جَاءَكَ الْمُنافِقُونَ] إِلَى قَوْلِهِ [هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ] إِلَى قَوْلِهِ [لِيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ] فَأَرْسَلَ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ - فَقَرَأَهَا عَلَيَّ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ صَدَّقَكَ). صحیح البخاری

ترجمه:- از زید ابن ارقم رضی الله عنه روایت است که من همراهی کاکایم (سعد بن عباد) بودم (در یک غزوه) که عبدالله ابن ابی سلول به رفقای خود میگفت: به رفقای رسول الله صلی الله علیه وسلم مصرف نکنید تا اینکه آنها از نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم پراکنده شوند و او را بگذارند چنین گفت: اگر ما به مدینه منوره برگشتیم ما و مردم عزتمند مردم ذلیل را از مدینه منوره خارج میسازیم، من این سخن را با کاکایم سعد ابن عباده گفتم؛ کاکایم این سخن را به همراهی رسول الله صلی الله علیه وسلم گفتند، پیغمبر علیه السلام برای عبدالله ابن ابی سلول و رفقای کسی را فرستاد و آن از این سخن خود منکر شد

و قسم خوردند که ما این سخنان را نگفته ایم رسول الله صلی الله علیه وسلم آنها را درسوگندهایشان راستگوی شمارید و من را صادق شمارید، من بعد از این زیاد اندوهگین شدم که پیش از این چنین اندوهی برایم نرسیده بود و در خانه خود نشستم الله تعالی این آیت را فرستاد: [إِذَا جَاءَكَ الْمُنافِقُونَ] تا این آیت [هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ] تا این آیت [لِيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ] برای رسول الله صلی الله علیه وسلم کسی را فرستاد و برایم این آیت ها را تلاوت کرد و گفت: بدون شک الله تعالی تو را صادق گردانید.

بعضی اوقات منافقین همراهی رسول الله صلی الله علیه وسلم برای جهاد روان میشدند و از نیم راه واپس میگشتند.

۷- اختلاف ایجاد کردن در بین مسلمانها؛ علامه دیگر منافقین این است که اینها کوشش میکنند همیشه در بین مسلمانان بی اتفاقی را بیندازند یکی را دشمن دیگر بگردانند، امروز هم برخی از حلقات مغرض کوشش میکنند که در بین مسلمانها درز ایجاد کنند.

الله جل جلاله میفرماید: (أَلَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا أُضْعَوْا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ. لَقَدْ ابْتَغَوْا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ) التوبة: (۴۸- ۴۹)

ترجمه:- اگر در میان شما به سوی جهاد بیرون میشدند در حق شما جز فساد چیزی را نمی افزودند البته سعی میورزند تا در میان شما دشمنی و تفرقه ایجاد کنند خواهان فتنه و فساد و ایجاد دشمنی در میان شما هستند و در میان شما افرادی هستند که سخنان آنها را میشنوند الله به احوال ستم کاران دانا است.

آنها پیش از این هم در حق شما فتنه انگیزی کردند و در برابر تو و دعوت و ابطال دینت تدابیری اندیشیدند تا آنکه نصرت الهی فرارسید و دین الله آشکار گردید در حالیکه آنها نا خوشنود بودند.

در حدیث علامه منافق اینطور ذکر شده است: (مَثَلُ الْمُنَافِقِ كَمَثَلِ الشَّاةِ الْعَائِرَةِ بَيْنَ الْغَنَمَيْنِ تَعْبِرُ إِلَى هَذِهِ مَرَّةً وَإِلَى هَذِهِ مَرَّةً). صحیح مسلم

ترجمه:- صفت منافق مانند میشی که در میان دو گله گوسفند سرگردان میگردد گاهی با یکی از این رمه و گاهی با آن رمه میگردد.

۸- به بازی و شوخی گرفتن خدا، پیامبر، قرآن، دین و مسلمانان، مسخره و استهزاء کردن به آنان، طوریکه خداوند متعال فرموده است: {وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِؤُونَ ؛ لَا تَعْتَدِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفَ عَنْ طَآئِفَةٍ مِّنْكُمْ نُعَذِّبْ طَآئِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ} التوبه: (۶۵-۶۶)

ترجمه:- و اگر از آنها بپرسید (چرا چنین سخنان را گفتید؟) البته میگویند ما شوخی و بازی میکردیم، بگو آیا به الله و آیت های او و به پیغمبر او استهزا میکنید؛ بگو عذر خواهی نکنید بعد از ایمان خویش کافر شدید اگر ما گروهی از شما را که توبه کردند عفو کنیم گروهی دیگری را عذاب خواهیم کرد بدان سبب که آنها گنه کار اند.

و نیز فرموده است: {وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُونَ} البقرة (۱۴)

ترجمه:- و چون باشیاطین خویش تنها شوند گویند ما باشمائیم و (مؤمنان) را تمسخر میکنیم.

۹- عیب های اهل حق را بیان کردن و برای خود حالات خوب را جستجو کردن؛ صفت دیگر منافق این است که همیشه برای خود نکبختی میخواهد و اهل حق را بدگوئی و عیب جویی میکند، چنانچه خداوند متعال فرموده است: {وَمِنْهُمْ مَّن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ} التوبه: (۵۸)

ترجمه:- بعضی از ایشان کسانی هستند که تورا در تقسیم زکات عیب میگیرند پس اگر از آن داده شوند راضی میشوند و اگر داده نشوند ناگهان ایشان به خشم می آیند.

۱۰- اغراض نمودن و روی گردانیدن از دین اسلام؛ و یا انتقاد نمودن بر احکام و دستاویز آن، و متنفر ساختن مردم از اسلام بوسیله تبلیغات منفی و نادرست، و یا فیصله نکردن مطابق قوانین اسلام، چنانچه خداوند متعال در این مورد عمل منافقین را حکایت نموده، فرموده است: {وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا} النساء: (۶۱)

ترجمه:- و چون برای آنها گفته شود بسوی آنچه الله فرورستاده است و بسوی پیامبر بیایید منافقان را میبینی که از تو سخت اعراض میکنند.

۱۱- برتر دانستن قوانین کفار بر احکام و قوانین شریعت اسلامی، و تلاش نمودن بخاطر تطبیق و حاکمیت قوانین کفری و وضعی، طوریکه خداوند متعال عملکرد منافقین را در این مورد ذکر نموده، فرموده است: {أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ

آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ
صَلَاةً بَعِيدًا {النساء: (٦٠)}

ترجمه:- آیا ندیدی بسوی آنانیکه می پندارند به آنچه بسوی تو فرو فرستاده شده است و آنچه پیش از تو فرو فرستاده شده است ایمان دارند و میخواهند که داوری قضایای خویش را به سوی طاغوت ببرند درحالیکه دستور داده شده اند که به طاغوت کافر شوند و شیطان میخواهد در گمراهی دور از حق افگند.

مفسرین در تفسیر این آیت مینویسند که این آیت در مشاجره بین یک منافق و یک یهودی که به میان آمده بود، منافی است: که بیا این مشاجره را به نزد کعب ابن اشرف که رئیس منافقین بود حل و فصل نمائیم، یهودی گفت نخبیر به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم میرویم که این موضوع را او فیصله کند در این مورد این آیه کریمه نازل شد. [تفسیر ابن جریر]

آنها نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم بخاطر فیصله آمدند هنگامیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم فیصله کردند که برنفع یهودی بود، منافق بر آن فیصله راضی نبود از همین خاطر همراهی مقابل خود که یهودی بود سخت شد که باید یکبار نزد عمر ابن الخطاب رضی الله تعالی عنه برویم که آن به این فیصله چه حکم میکند (منافق طمع داشت که وی بر فائده من فیصله کند) حضرت عمر رضی الله عنه هر دو کسان که ذکر شد، فیصله نبی علیه الصلاة والسلام را شنوایند منافق خواست که شما در میان ما فیصله نمائید حضرت عمر رضی الله عنه اینها را امر کرد شما اینجا باشید، به خانه خود داخل شد و شمشیر را بردست گرفته از خانه برآمد سر منافق را از تنش جدا کرد و فرمود: (هَكَذَا أَقْضِي بَيْنَ مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَاءِ اللَّهِ وَقَضَاءِ رَسُولِهِ) من اینچنین فیصله میکنم در میان کسیکه فیصله الله و پیغمبر علیه السلام را قبول نکند، که آیت های مذکوره در این مورد نازل شد. [تفسیر روح المعانی]

۱۲- تائید نمودن و باور داشتن به افکار و مبادی کفری و غیر دینی، و یا تائید نمودن مذاهب الحادی و دعوت دادن به طرف آن، مانند: سیکولاریزم، نیشنلزم، و یا دعوت نمودن به احیای ملی گرایی و گرایش های قومی، سمتی و غیره...

۱۳- کمک و همکاری نمودن با کفار بر علیه مسلمانان؛ زیرا منافقین زمان پیغمبر علیه السلام در حقیقت از جمله کفار به شمار میروند، طوریکه خداوند متعال از این عمل منافقین مسلمانان را آگاه نموده فرموده است: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ؛ فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِّنْ عِنْدِهِ فَيُضْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرَوْا فِي أَنفُسِهِمْ نَادِمِينَ } آمده: (۵۱-۵۲)

ترجمه:- ای مومنان! یهود و نصاری را دوست نگیرید، بعضی آنها دوستان بعضی اند و هر کسی از شما آنها را دوست گیرد پس او از آنهاست، والله گروه ستمکاران را هدایت نمی کند؛ پس میبینی آنانی را که در دلهایشان بیماری است، در دوستی آنها سعی میورزند، میگویند: میترسیم از اینکه به ما بلائی برسد، پس امید است که الله پیروزی یا حادثه دیگری را از نزد خود بیاورد، پس آنها از آنچه در دل پنهان داشتند، پشیمان گردند.

۱۴- شاد و مسرور شدن هنگام شکست خوردن مسلمانان در جبهه از جبهات جنگ و غالب شدن کفار بر مسلمانان، طوریکه خداوند متعال از این عمل منافقین یاد آور شده فرموده است: {هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُوا عَلَىٰ عَيْتِكُمُ الْأُنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُؤْتُوا بِعَيْتِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ؛ إِنْ تَمَسَّكُمُ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبَرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ } آل عمران: (۱۱۹)- (۱۲۰)

ترجمه:- آگاه باشید ای مردم شما آنها را دوست میدارید اما آنها شما را دوست نمی دارند و شما به همه کتاب ها ایمان دارید اما آنها به بزرگترین کتاب ایمان ندارند و هنگامیکه با شما روبرو شوند گویند که ایمان آوردیم و هنگامی که تنها شوند از شدت خشم بر شما انگشتان را میگزند ، بگو به خشم خویش بمیرید الله به راز های سینه ها دانا است .

اگر به شما نعمتی رسد آنها را خفه میسازد و اگر رنجی به شما رسد بدان شاد میشوند و اگر صبر کنید و پرهیز گار باشید نیرنگ آنها به شما هیچ زیان نمی رساند . یقیناً الله هر آنچه را که انجام میدهند به علم خود احاطه کرده است .

در پرتو آیه مبارکه فوق نمونه از عملکرد منافقین در عصر حاضر این است که آنها در مورد مشکلات و مصایب مسلمانان کوچکترین توجهی ننموده و در هنگام بروز مشکلی بر مسلمانان نیاز داشته باشند ، این منافقین نه تنها هیچ نوع کمک نمیکنند بلکه با احیای شعارهای جاهلیت که آنها عرب نیستند ، ویا از قوم و قبیله ما نیستند مانع کمک دیگران میشوند .

۱۵- دشنام دادن ویا استعمال نمودن سخنان پوچ و هرزه در برابر علما ، مصلحین و سایر مؤمنین ؛ طوریکه خداوند متعال در این مورد عملکرد منافقین را حکایت نموده ، فرموده است: {وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ} البقره: (۱۳)

ترجمه:- و هنگامیکه به ایشان گفته شود ایمان بیاورید آنگونه که مردمان ایمان آورده اند گویند آیا ایمان آوریم چنانچه بی خردان ایمان آورده اند آگاه باش ایشان بیخردان اند ولیکن نمی دانند .

و نیز فرموده است: {الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ} التوبه: (۷۹)

ترجمه:- کسانی که بر مومنان ثروتمندی که مشتاقانه صدقات بیشتری میپردازند عیب میگیرند و مومنان فقیر را که جز به مقدار توانشان چیزی را نمی یابند پس آنها را مسخره میکنند الله ایشان را مسخره میکند (جزای مسخره شان را میدهد) و آنها را عذاب دردناکی است .

طبق فرموده الهی امروز هم می بینیم که برخی از منافقین در رسانه های صوتی و تصویری علماء و مصلحین را به باد انتقاد گرفته سخنان هرزه و کلمات ناشایسته را در مورد آنها استعمال می نمایند .

۱۶- مدح و ستایش نمودن پیروان ادیان و مذاهب کفری ، ویا ستایش نمودن مفکرین و دانشمندان ایشان ویا پخش نمودن آرا و افکار آنها که با اساسات دین اسلام توافق و همخوانی ندارد ، طوریکه خداوند متعال در این مورد فرموده است: {أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكُذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ} المجادله: (۱۴)

ترجمه:- آیا ندیدی بسوی کسانی که دوستی نمودند با گروهی که مورد خشم الهی قرار گرفته اند اینان نه از شمایند و نه از آنها و به دروغ سوگند یاد میکنند که از شما هستند در حالیکه خودشان میدانند که (دروغ میگویند) .

طبق فرموده خداوند امروز هم میبینیم که یک تعداد از منافقین از برخی افراد بی دین و ملحد مانند: لیلن ، مارکس ، فروید و غیره به عنوان دانشمندان مدح و ستایش به عمل می آورند .

۱۷- درباره مسلمانها شکوک و شایعات و اخبار بی بنیاد را پخش کردن.

یکی از صفت بد منافقین این است که بخاطر ضعف و کم زوری مسلمانها اخبار دروغ را پخش میکنند تا اینکه ذهنیت مردم را در برابر جامعه اسلامی تغیر دهند الله تعالی در این مورد میفرماید: [لَنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقُفُوا أَخَذُوا وَقَتَّلُوا تَقْتِيلًا] الاحزاب: (۶۱)

امام قرطبی رح میفرماید: هرکسی که در باره پیامبران صدای خود را بلند کنند و یا نفاقی را آشکار کند باید گرفته شود و کشته شوند. [تفسیر القرطبی]

از این آیه کریمه معلوم میشود که بر خلاف مسلمانان اخبار بیجای را پخش کردن از زمانه سابق این سلسله جاری است .

در زمانه رسول الله صلی الله علیه وسلم منافقین به حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها اتهام بسته نمودند برای پیغمبر علیه السلام و مسلمانان زیاد تکلیف رسید.

اضرار و زیان منافقت:

منافقت برای فرد و اجتماع زیاد زیان و خطر پیش میکند. نفاق راستی و صداقت را از بین میبرد و دروغ را زیاد میکند، برای شخص منافق رفقاء و دوستان نمی باشد و مردم بر بالای او باور و اعتماد نمی کنند و برای انسان منافق در روز آخرت از همه عذاب سخت تر است، از اثر زیادت نفاق در جامعه راستی و صداقت کم میشود. و به اثر نفاق در اجتماع غیبت، سخن چینی، شیطنت، شک، بدگمانی و دیگر خصلت های بد زیاد میشود و از جامعه امنیت روانی را از بین میبرد، فضیلت از اجتماع برداشته میشود جای او را رذالت میگیرد. اطمینان و راحت از میان مردم دور میشود، برای مسلمانان اضرار زیاد میرسد.

والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته